

بررسی و تبیین مفاهیم نظم، امنیت و آسایش عمومی و فردی

نویسنده: دکتر محمد صالح ولیدی

چکیده

بی تردید، پیش بینی عنوانین استقرار نظم، امنیت و آسایش در قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اهداف تشکیل سازمان نیروی انتظامی امر تازه‌ای نیست. زیرا مؤلفه‌های مذکور از جمله مفاهیمی است که از دیرباز با جوهر هستی انسان پیوند ناگسستنی دارد و در عصر ما با پیدایش دولتهای ملی، این مفاهیم ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است، به نحوی که امروزه، تنظیم روابط، رشد و تعالی فردی اشخاص و توسعه و پیشرفت اجتماعی، در گرو وجود استقرار نظم و امنیت در جامعه می‌باشد و تأمین آسایش اعم از آسایش فردی و عمومی، نیز با استقرار نظم و امنیت ملازمه دارد که این امر، بر ضرورت بررسی و کارکرد نوین این مفاهیم در سطح جامعه و سازمان نیروی انتظامی می‌افزاید. با وجود این، تا آنجا که اطلاع داریم، بررسی و تحقیق مستقلی در خصوص این مؤلفه از نظر کاربردی به عمل نیامده است و جای بحث و گفتگو در این زمینه بسیار است. مقاله حاضر در حد وسع و امکان، مفهوم، ابعاد مختلف و مختصات نظم و امنیت و آسایش عمومی و فردی را در سه بخش به زبان ساده و به طور جداگانه مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار داده است. به امید آن که این مختصر نگارش، زمینه شناخت هر چه بیشتر ماهیت این واژه را آسان نماید و در مجموع راهگشای خوبی برای استقرار نظم و امنیت در جامعه، تأمین آسایش مردم و موجب برانگیختن شدن اندیشه صاحب نظران برای دستیابی به رفاهانی بهتر در این زمینه گردد.

بخش اول: مفهوم استقرار نظم

« به طور کلی، یکی از مهمترین وظایف دولتها، برقراری نظم و امنیت در جامعه است که در جمهوری اسلامی ایران، این وظیفه بس خطیر بر عهده نیروی انتظامی می‌باشد. اما باید دانست قوانینی که از طرف قوه مقننه به منظور تنظیم روابط اجتماعی مردم و استقرار نظم در هر جامعه‌ای وضع و به مورد اجرا گذاشته می‌شود، از نظر درجه اعتبار و قدرت اجرایی آنها در برابر اراده اشخاص، بر حسب نوع قانون، ممکن است جنبه‌های الزامی و آمرانه داشته باشد، یعنی هدف اصلی از وضع آن، استقرار عمومی و تأمین منافع و مصالح مردم باشد و برخی دیگر از این قوانین، واجد جنبه اختیاری و غیر آمرانه باشد یعنی هدف اصلی از وضع آنها برای تنظیم روابط خصوصی مردم باشد، لذا اجرای آنها به اختیار اشخاص واگذار می‌شود و رعایت آنها همواره الزامی نیست.^(۱)»

پس معیار و ملاک الزامی بودن یا اختیاری بودن قوانین در جامعه، بستگی به هدف قانونگذار دارد. بدین لحاظ، هر گاه هدف مستقیم مقنن از وضع قانون برای حفظ ارزشهای معتبر اخلاقی، اجتماعی و تأمین منافع و مصالح عمومی مردم باشد، آن قانون در زمره قوانین آمرانه و الزامی است و همگان مکلف به اطاعت و پیروی از آن خواهند بود. قانون تشکیل نیروی انتظامی چون به هدف استقرار نظم، امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی به تصویب قوه مقننه رسیده،

از مصادیق بارز قوانین آمرانه است.

بنابراین، تبیین نقش و جایگاه نیروی انتظامی در حکومت اسلامی و نقش این نیرو در استقرار نظم، امنیت و آسایش عمومی و فردی و انجام وظایف و مأموریت‌های متنوع محوله قانونی به این سازمان، ایجاب می‌نماید که از نظر علمی مفاهیمی سه‌گانه موصوف مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱- تعریف استقرار نظم

در قانون نیروی انتظامی و سایر قوانین موضوعه، تعریفی از نظم و یا مصادیق آن دیده نمی‌شود، در حالی که این واژه به دفعات در مواد قانون از طرف قانونگذار استعمال شده و دارای مفهوم گسترده‌ای از لحاظ نظری حایز اهمیت بوده و مورد توجه دانشمندان و اداره‌کنندگان جامعه قرار گرفته است. بدین لحاظ و نظر به دشواری‌های موجود در بیان تعریف نظم و گستردگی موضوع آن برای درک ماهیت و دسترسی به تعریف آن با توجه به معنی لغوی نظم به معنی ترتیب دادن و آراستن در تعریف استقرار نظم می‌توان گفت: استقرار نظم عبارت از فراهم نمودن موقعیت و وضعیت مطلوب و شرایط سالم در جامعه توسط مأمورین انتظامی در چارچوب قانون به هدف صیانت از ارزشهای معتبر اخلاقی، اجتماعی و حفظ منافع فردی و اجتماعی است.

۲- عناصر تعریف نظم

بنابر آنچه که گفته شد عناصر متشکله استقرار نظم و امنیت عبارتند از: اولاً- آماده ساختن وضعیت سالم و شرایط مطلوب در داخل کشور برای انجام هر گونه فعالیت‌های مشروع اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، شغلی و غیراز

طرف مردم در سرتاسر کشور، قانوناً بر عهده سازمان نیروی انتظامی می‌باشد. ثانیاً- مهمترین هدف استقرار نظم توسط مأموران انتظامی در داخل کشور، حمایت از ارزشهای اخلاقی، اجتماعی، دینی و تأمین منافع و مصالح فردی و اجتماعی است.

ثالثاً- قوانین و مقررات مربوط به نظم در زمره قوانین آمرانه و الزامی است و تجاوز به آنها، علاوه بر ضرر و زیان فردی ناشی از آن، باعث برهم زدن وضعیت و شرایط سالم محیط زندگی مردم که لازمه حسن جریان امور می‌باشد، خواهد شد. رابعاً- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مظهر اقتدار ملی و حافظ دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب قوانین در سرتاسر قلمرو حاکمیت کشور جمهوری اسلامی ایران است.

خامساً- استقرار نظم در جامعه، در گرو حسن انجام وظیفه مأموران انتظامی است و عملکرد این نیرو، نوعی خدمتگذاری به مردم این مرز و بوم می‌باشد. و امروزه، وظیفه افراد پلیس، بنا به فرموده بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ق-ن-ز)، امروزه پلیس خدمتگذاری به مردم است و باید این سازمان و ساختار آن، به مثابه پناهگاه و ملجاء امن برای افراد ملت باشد. چون استقرار نظم و امنیت مورد نظر قانونگذار در سایه خدمتگذاری و همدلی مأموران انتظامی با مردم در جامعه اسلامی فراهم خواهد شد.

بخش دوم: مفهوم امنیت

امنیت از ریشه امن است که در مقابل بیم و هراس و ناامنی استعمال می‌شود. امنیت یکی از نیازهای فطری بشر است که با جوهر هستی انسان پیوند ناگسستنی دارد. از این رو، واژه امن و امنیت، از قدمتی به دیرینگی تاریخ بشر برخوردار است و حتی از جهتی، واژه امنیت بر مفهوم اجتماع و جامعه مقدم

می‌باشد.

امایین نکته را نباید از نظر دور داشت که مفهوم امنیت در طرف اجتماع متبلور خواهد شد، یعنی انسانها به منظور برآوردن نیازهای گوناگون زیستی خود از جمله، در امان بودن از هر گونه تعرضی، زندگی با دیگر هموعان خود را، خواه از روی عقل و حسابگری و خواه از روی ناچاری، پذیرفته‌اند. همین خصیصه مدنی الطبع بودن بشر و نیاز او به زندگی با دیگر هموعان، خود تأمین امنیت فردی را به امنیت اجتماعی وابسته کرده است.

در این چشم انداز، امنیت عبارت از فراهم شدن حالت یا شرایطی در جامعه ابتدائی یا در حال رشد یا پیشرفته است که افراد ملت در آن، احساس آرامش خاطر می‌نمایند.

نقش امنیت به عنوان یک نیاز درونی آرامش بخش، در حقوق اسلام و در آیات قرآن کریم، صریحاً مورد توجه و تاکید قرار گرفته است به طوری که امنیت درونی به عنوان یک احساس اطمینان آور قلبی در آیه شریفه "الا یذکروا... تطمئن القلوب" یاد خدا در نزد فرد مؤمن باعث آرامش خاطر خواهد شد، قلمداد گردیده است.

بدین ترتیب، احساس امنیت درونی در جامعه اسلامی، از عمده‌ترین ارزشهای معتبر این جامعه محسوب خواهد شد. از طرف دیگر، بحث درباره امنیت اجتماعی در حقوق اسلام را می‌توان از مفاد سخنان نغز پیشوایان دینی از جمله سخن امام علی - علیه السلام - استنباط نمود.

آن حضرت فرموده است: "النعمتان مجهولتان الصحه و الامان" در این کلام، بخوبی همبستگی امنیت اجتماعی با سایر شئون حیات جمعی، به عنوان یک نعمت ارزشمند (مجهول القدر) مقدم بر سایر نعمتها منظور شده است و این امر، اهمیت نقش امنیت اجتماعی را آشکار می‌سازد.

به علاوه، ویژگی مشخص این نوع امنیت این است که تأمین آن، یکی از

وظایف و اهداف اداره کنندگان جامعه می‌باشد.

به هر حال، مفهوم امنیت با گذشت زمان، ابعاد گسترده و تازه‌ای پیدا کرده است. بطوری که امروزه امنیت، نه تنها حوزه جغرافیایی و سرزمینی که مردم در آن زندگی می‌کنند، بلکه شامل تأمین سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و شغلی نیز خواهد شد و این امر، توجه دانشمندان و قانونگذاران را به خود معطوف کرده است.

مطالعه تاریخ حقوق نشان می‌دهد که از زمانی که حکومت‌های پراکنده ملوک الطوائفی و امپراتوریهای بزرگ، جای خود را به دولتهای ملی یا کشور دولت‌ها داده‌اند و دولتها به عنوان واحد اصلی با یکدیگر مناسباتی برقرار کرده‌اند، به تدریج اصطلاح امنیت با مفهوم ملی مصطلح و مورد توجه قرار گرفته است.^(۲) و از این دیدگاه امنیت ملی عبارت از موقعیت خاصی است که به یک کشور امکان می‌دهد تا با تکیه بر قدرت ملی خود، ضمن درآمان بودن از تهدیدهای گوناگون نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی دیگران، فعالیتهای بنیادی خود را برای پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تأمین وحدت ملی و سازندگی کشور دنبال کند.^(۳)

از طرف دیگر، قلمرو تأمین امنیت از لحاظ جغرافیایی، به امنیت داخلی و خارجی قابل تقسیم است و وظیفه دولتها، تأمین امنیت اعم از امنیت داخلی و خارجی می‌باشد.

مقصود از تأمین امنیت داخلی کشور، عبارت از برقراری نظم و آرامش در سرتاسر قلمرو و سرزمینی کشور، توسط هیأت حاکم می‌باشد، و مراد از تأمین امنیت خارجی، استقرار آرامش و مصون ماندن کشور از مخاطرات گوناگون و تهدیدهای بیگانه و خارجی است که موجبات تزلزل وحدت ملی، استقلال و تمامیت ارضی کشور خواهد شد.

با ذکر این مقدمه، مسأله تأمین امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران به

موجب اصول قانون اساسی و قوانین موضوعه، به نیروی انتظامی محول شده است. نیروی انتظامی به عنوان مظهر قانون، مسئولیت تأمین امنیت در سرتاسر کشور را بر عهده دارد.

اهمیت نقش فعالیتهای متنوع این نیرو در استقرار نظم، امنیت و آسایش عمومی بر کسی پوشیده نیست، به دلیل این که به تجربه ثابت شده که هیچ جامعه‌ای بدون اجرای قانون توسط نیروی انتظامی، توان ایجاد و برقراری امنیت و تأمین آرامش در سرتاسر کشور را ندارد، زیرا عدم پیروی صحیح از قانون، محتمل است که منتهی به هرج و مرج گردد و در پی آن، امنیت داخلی کشور را به مخاطره اندازد و نهایتاً منتهی به بحرانهای جدی در سطح جامعه گردد.

بنابراین، نیروی انتظامی به عنوان حافظ امنیت داخلی کشور با ارائه خدمات خود، در نقش آمر به معروف و ناهی از منکر، با انجام وظایف و مأموریت‌های متنوع خویش، زمینه، بستر مناسب و شرایط سالم را، برای انجام فعالیتهای گوناگون مشروع مردم در سرتاسر کشور فراهم می‌نماید و بدین وسیله هدف اصلی از تشکیل این سازمان، در جامعه تحقق می‌یابد.

۱- تعریف امنیت

با وجود کاربرد وسیع واژه امنیت در قانون مجازات اسلامی و قانون نیروی انتظامی، ولی در هیچ یک از موارد این قانون، تعریفی از امنیت دیده نمی‌شود، به علاوه ادبیات حقوقی ما نیز در مورد بیان تعریف و مصادیق امنیت، جوابگویی نیاز جامعه ما نیست.

بطور کلی امنیت از ریشه امن، و در لغت به معنی اطمینان خاطر و عدم خوف و نهراسیدن است و در ارتباط با زندگی افراد در جامعه، امنیت عبارت از فراهم شدن حالت و شرایطی است که مردم در آن محیط، بیم و هراسی نسبت به

احقاق حق و آزادیهای اساسی مشروع خود نداشته و با آرامش خاطر به انجام فعالیتهای مختلف خود پردازند. در این معنی قانونگذار در مواد ۳ و ۴ قانون نیروی انتظامی، امنیت و نظم را مترادف یکدیگر به کار برده است.

از طرف دیگر، مفهوم امنیت به علت گستردگی آن، به انواع مختلف: امنیت اجتماعی، قضایی، فرهنگی، سیاسی، اداری، شغلی و غیره قابل تقسیم می‌باشد. (۴) بحث و بررسی پیرامون انواع مختلف امنیت در اینجا مورد نظر نیست، آنچه که در صدد بیان آن هستیم، مفهوم امنیت در حوزه عمل مأموران انتظامی در داخل کشور است که به عنوان یکی از اهداف تشکیل این نیرو مورد توجه می‌باشد.

در این رابطه مراد از استقرار امنیت توسط مأموران انتظامی، عبارت از فراهم کردن موقعیت و بستر، زمینه‌های مناسب توسط مأموران انتظامی در حوزه‌های استحفاظی در سرتاسر کشور است، به نحوی که مردم با اطمینان خاطر و بدون بیم و هراس بتوانند هر گونه فعالیتهای مشروع خود را به انجام برسانند و کسی بدون جهت یارای تعدی و تجاوز به حقوق و آزادیهای اساسی افراد ملت را که در قانون اساسی پیش بینی شده است، نداشته باشد.

۲- اهداف امنیت

- هدفهای استقرار امنیت به علت تنوع وظایف دولت در قلمرو حاکمیت کشور و همچنین به لحاظ اهمیت و نقش آنها عبارتند از:
- ۱) حفظ استقلال و تمامیت ارضی و وحدت ملی.
 - ۲) حفظ ارزشهای معتبر اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی.
 - ۳) حفظ شیوه زندگی مردم و تأمین رفاه و ثبات سیاسی.
 - ۴) ایجاد زمینه مساعد برای انجام هر گونه فعالیتهای افراد ملت در

چارچوب قانون.

گفتنی است از بین اهداف یاد شده تأمین هدفهای مندرج در بندهای (۲)، (۳) و (۴) قانوناً بر عهده نیروی عظیم انتظامی است. (۵)

۳- مفهومات امنیت

برای امنیت ویژگی‌های خاصی به ترتیب زیر می‌توان قائل شد:

الف - امنیت یک مفهوم کلی و غیر قابل تجزیه است:

با توجه به مفهوم و تعریف بیان شده از امنیت، در سایه آن از تهدید و خطر در امان خواهند بود، بنابراین برای این که امنیت بتواند این مهم را تأمین نماید باید مفهوم امنیت را در معنای کلی آن در نظر گرفت و به تأمین بعدی از ابعاد آن اکتفا نکرد، بلکه امنیت در معنای گسترده آن شامل تأمین امنیت‌های در داخل و خارج کشور می‌باشد.

از طرف دیگر، امنیت به عنوان یک پدیده تجزیه‌ناپذیر باید مورد توجه قرار گیرد، یعنی، فقدان بعدی از ابعاد امنیت در جامعه که به امنیت ملی لطمه وارد سازد، جامعیت تعریف امنیت را از بین خواهد برد. زیرا در برآورد قدرت ملی هر کشور، معمولاً اهداف گوناگونی از قبیل، حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور، وحدت ملی، حفظ ارزشهای معتبر اخلاقی و اجتماعی، تأمین رفاه و آسایش عمومی، استقرار نظم و امنیت و حفظ قدرت نظامی و انتظامی ملحوظ نظر می‌باشد. بنابراین، تجزیه کردن امنیت به یکی از حوزه‌های فوق‌الذکر مخل پویایی و کمالات سایر ابعاد امنیت خواهد شد. بدین لحاظ لازم است که مفهوم امنیت را بطور کلی و غیر قابل تجزیه در نظر بگیریم تا جامعیت و مانعیت تعریف از بین نرود.

ب - امنیت با استقرار عدالت ملازمه دارد.

یکی دیگر از مختصات امنیت این است که فراهم آمدن امنیت در جامعه، زمینه اجرای عدالت را نیز به همراه دارد، زیرا امکان توزیع عادلانه درآمدها در بین اقشار ملت و همچنین احقاق حق، بسط عدالت، حمایت از حقوق فردی و اجتماعی توسط دادگاهها، رفع تبعیض و حرکت به سوی توسعه، تکامل و رفاه اجتماعی در جامعه، زمینه تقویت و استقرار در امنیت و نظم در جامعه فراهم می‌کند.

بنابراین، هر نوع فعالیتی که در جهت تأمین امنیت در جامعه صورت می‌گیرد، چون به تقویت احساس عدالت‌خواهی افراد ملت جامه عمل می‌پوشاند و روح اطاعت از قانون و نظامات اجتماعی را در بین مردم فراهم می‌نماید، و این امر به استقرار امنیت کمک می‌کند.^(۶)

بدین ترتیب، عدالت و امنیت لازم و ملزوم یکدیگرند، یعنی، استقرار در عدالت موجب جلب اعتماد عمومی و رغبت مردم به اجرای صحیح قانون و پایداری امنیت در جامعه خواهد شد.^(۷)

عوامل تهدیدکننده امنیت

به طور کلی مراد از عوامل تهدیدکننده امنیت، عبارت از انجام یک سلسله عملیاتی است که بطور مستقیم یا غیر مستقیم، به موقعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی کشور و منافع، مصالح و وحدت ملی صدمه می‌زند و در نهایت، استقلال و تمامیت ارضی کشور را به خطر می‌اندازد.

تهدید علیه امنیت کشور را می‌توان به تهدیدهای علیه امنیت خارجی و امنیت داخلی، تقسیم نمود. بحث درباره عوامل تهدیدکننده امنیت ملی در حوزه مطالعات علوم سیاسی و روابط بین‌المللی است و از حوصله این مختصر خارج است. با این وجود این نکته را از نظر امنیت داخلی نمی‌توان نادیده گرفت که

تحولات سیاسی ناشی از فعالیتهای غیر قانونی از قبیل: تشکیل جمعیت و اجتماع و راهپیماییهای غیر مجاز توسط گروهها، خرابکاری در تأسیسات عمومی و عام المنفعه، تروریسم، ایجاد آشوب و سایر فعالیتهای مضر به منافع و مصالح عمومی، موجب اختلال و بی نظمی در امنیت داخلی کشور خواهد شد. و ادامه این قبیل عملیات، در صورتی که مأمورین نیروی انتظامی با آنها مقابله نکنند، به ایجاد بحرانهای جدی و عدم امنیت در سطح جامعه خواهد انجامید.

از این رو، مقابله با این گونه عملیات تهدید کننده امنیت داخلی کشور، در درجه نخست بر عهده نیروی انتظامی هر کشوری است، چون علی القاعده هدف اصلی از تشکیل سازمان نیروی انتظامی تأمین امنیت و استقرار نظم و آسایش عمومی می باشد و مهمترین مأموریت و وظیفه نیروی انتظامی، مقابله و مبارزه با هر گونه عملیات مجرمانه و خرابکاری و عناصر تهدید کننده امنیت داخلی کشور است که این امر با همکاری سازمانهای اطلاعاتی کشور صورت می گیرد.

در راستای تحقق بخشیدن به این مهم، نیروی انتظامی به موجب قانون نیروی انتظامی نه تنها مکلف به حفظ نظم در جریان برگزاری اجتماعات و راهپیماییهای مجاز می باشد، بلکه موظف است که از برگزاری هرگونه اجتماعات، تشکلها و راهپیماییهای غیر مجاز و اغتشاش و آشوب جلوگیری نماید و در اجرای وظایف محوله با برخورد صحیح با تظاهرکنندگان به طرق مسالمت آمیز، اقدامات لازم را در متفرق کردن آنها به عمل آورده و در صورت لزوم نسبت به دستگیری و تعقیب قانونی اغتشاش کنندگان اقدام نماید.

مجوز اقدامات نیروی انتظامی در جلوگیری از هرگونه فعالیتهای غیر مجاز و مقابله با تروریسم و خرابکاری، در قانون نیروی انتظامی به ویژه در بندهای دوم و سوم ماده ۴ قانون مزبور و همین طور در فصل اول، دوم و سوم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ تحت عنوان جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور و سایر بخشهای قانون مجازات اسلامی و بعضی از قوانین

متفرقه جزایی پیش بینی شده است که در اینجا مجال بحث درباره آنها نیست.^(۸)

بخش سوم: مفهوم آسایش عمومی و فردی

۱- شناخت مسأله و اهمیت آن

در بررسی مقررات مواد ۳ و ۴ قانون نیروی انتظامی، ملاحظه می شود که قانونگذار صریحاً تأمین آسایش عمومی و فردی در جامعه اسلامی را یکی از وظایف مأمورین نیروی انتظامی قرار داده است، اما در این مواد و سایر قوانین موضوعه گرچه عنوان آسایش عمومی مانند واژه های نظم و امنیت استقلال شده، و تعریفی از آن ارائه نگردیده است.

آنچه از نحوه به کارگیری عناوین سه گانه مندرج در مواد مزبور به دست می آید، این است که قانونگذار، عنوان تأمین آسایش را بعد از عناوین استقرار نظم و امنیت مورد توجه قرار داده است و این امر نشان می دهد که بین استقرار نظم و امنیت در جامعه با تأمین آسایش عمومی و فردی، ملازمه عرفی موجود است، یعنی، لازمه تأمین آسایش عمومی و فردی، استقرار قبلی امنیت و نظم است. به سخنی دیگر، پس از استقرار در نظم و امنیت در جامعه، امکان تأمین آسایش برای افراد ملت، اعم از آسایش عمومی و فردی، مهیا و میسر خواهد شد.

با این تعبیر، مراد از آسایش، بطور کلی، این خواهد بود که افراد ملت، با وجود استقرار نظم و امنیت، قادر خواهند بود به هر نوع فعالیت های مشروع اقتصادی، صنعتی، فرهنگی، اجتماعی و شغلی که مایل باشند، در محیط زندگی خود اشتغال ورزند و زمینه شکوفایی و پیشرفت آنها نیز فراهم می باشد.

گفتنی است تأمین آسایش، در معنای واقعی آن، علاوه بر فعالیتهایی که

مأموران نیروی انتظامی در انجام وظایف محوله قانونی خود به مرحله اجرا می‌گذارند، بستگی به وجود عناصر دیگری به قرار ذیل دارد.

الف - اطاعت مردم از قوانین

بی‌گمان انجام وظایف و فعالیتهای متنوع قانونی توسط سازمان گسترده نیروی انتظامی در سرتاسر کشور، زمانی بطور مطلوب منتهی به استقرار آسایش عمومی و فردی خواهد شد که توده مردم اطاعت از قانون و نظامات اجتماعی را محترم دانسته و مراعات کنند، حقوق و آزادیهای اشخاص را که در قانون اساسی و قوانین دیگر شهروندان پیش بینی شده است، محترم بشمارند. بدین سان، پیروی و اطاعت از قانون و محترم شمردن حقوق و آزادیهای اساسی اشخاص در جامعه، لازمه زندگی اجتماعی و تأمین کننده آسایش عمومی و فردی شهروندان است.

با وجود این، در عمل مشاهده می‌شود که برخی از افراد ملت به خاطر سودجویی و جلب منفعت یا مقاصد خاصی، حقوق و آزادیهای دیگران را نادیده گرفته و به انحراف مختلف به آن تعدی و تجاوز نموده و مرتکب اعمال مجرمانه‌ای از قبیل: گرانفروشی، احتکار، تقلب در کسب و پیشه، قاچاق کالای گمرکی، قاچاق ارز، ساختن سکه طلا و نقره تقلبی، جعل در اسناد، تخریب اموال عمومی و دیگر جرایمی که موجبات سلب آسایش عمومی افراد ملت خواهد شد، می‌گردند.

وقوع این قبیل جرایم، غالباً موجبات سلب آسایش عمومی و ضرر و زیان عمومی را فراهم می‌نماید.

بدین لحاظ، در قانون نیروی انتظامی، علاوه بر پیش بینی وظیفه کشف، تعقیب و دستگیری مجرمین توسط ضابطین قوه قضاییه، در بند هشتم از ماده ۴

این قانون، صریحاً امر مبارزه با قاچاق کالای گمرکی، مواد مخدر و مبارزه با منکرات از وظایف این نیرو برای تأمین آسایش عمومی قلمداد شده است.

ب - نحوه انجام وظیفه مأمورین دولتی:

یکی دیگر از عوامل مؤثر در تأمین آسایش عمومی و فردی در هر جامعه‌ای، نحوه انجام وظیفه متصدیان امور، مأموران دولتی و سازمانهای انتظامی و کارمندان دولت می‌باشد. زیرا یکی از اهداف اصلی تشکیل سازمانهای مزبور در اجرای قوانین، برقراری امنیت و آسایش عمومی افراد ملت است.

بنابراین، آسایش مورد نظر پیش بینی شده در قانون، وقتی در جامعه تحقق پیدا می‌کند که مأموران اجرای قوانین، اعم از مأموران انتظامی و غیره، در هر رتبه و مقامی هستند، باید وظایف محوله را به نحو احسن انجام دهند و با ارائه خدمات صادقانه به مردم، آسایش عمومی را فراهم نمایند. زیرا علی الاصول، قانونگذار به هیچ وجه اجازه تخطی و عدول از حدود قانون را به هیچ کس، اعم از مأموران و افراد عادی، نمی‌دهد.

چون در این صورت، اعتماد و اطمینان مردم نسبت به قانون و مجریان آن از بین خواهد رفت و چنانچه این وضع در جامعه به وجود آید، باعث ترویج روح قانون شکنی در جامعه، بدگمانی و سلب آسایش عمومی افراد ملت خواهد شد. به همین مناسبت، قانونگذار، برای جلوگیری از این گونه اعمال مخالف قانون و جلب اعتماد عمومی به اجرای صحیح قانون در جامعه، در فصل دهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان (تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی) مقررات کیفری خاصی را برای تعقیب مأمورانی که در حین انجام وظیفه به حقوق و آزادیهای اساسی و مشروع افراد ملت تعدی و تجاوز می‌نمایند، مجازات خاصی را (در مواد ۵۷۰ تا ۵۸۸) برای حمایت و استمرار عمومی و

فردی افراد ملت در جامعه پیش بینی کرده است.^(۹)

تعریف آسایش عمومی و فردی

با توجه به مطالبی که قبلاً پیرامون مفهوم استقرار نظم و امنیت گفته شد و بطور کلی به جهت ملازمه عرفی بین واژه تأمین آسایش عمومی و فردی و واژه‌های نظم و امنیت و همچنین وحدت ملاک قانونی این مفاهیم در تعریف آسایش عمومی می‌توان گفت: تأمین آسایش بطور کلی عبارت از فراهم آوردن زمینه و موقعیت مناسب در جامعه برای افراد ملت توسط فعالیتهای گوناگون مأموران انتظامی در چارچوب قانون است، بطوریکه اشخاص در سایه وجود چنین بستری مناسب، با اطمینان، به هر نوع فعالیت مشروعی که مایلند، مبادرت می‌نمایند.

آسایش مورد نظر در این تعریف اعم از آسایش به معنای اعم و آسایش به معنای اخص است، زیرا در یک برآورد کلی می‌توان گفت، وقتی که محیط اجتماعی برای زندگی سالم و راحت فراهم می‌گردد، بطوریکه همگان و اکثریت افراد، از نعمت امنیت و نظم برخوردار می‌شوند، احساس امنیت و آسایش، جنبه عمومی پیدا خواهد کرد و منافع و مصالح در پناه اجرای صحیح قانون، فراهم خواهد شد. اما زمانی که اجرای قوانین در جامعه صرفاً به منظور حفظ حقوق و منافع خصوصی افراد ملت توسط مأموران انتظامی صورت می‌گیرد و اجرای مقررات برای حفظ منافع خصوصی مجنی علیه و تعداد کمی از افراد ملت صورت می‌گیرد، انجام وظیفه مأموران باعث عدم آسایش فردی خواهد شد.

بنابراین، تأمین آسایش، در معنای عام آن، نه تنها باعث حفظ منافع و مصالح عمومی خواهد شد، بلکه در مقیاس کمتر از آن، زمینه حفظ حقوق خصوصی و منافع فردی اشخاص نیز خواهد شد. ►

- ۱- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، صفحه ۵۱۹، چاپ دوم، گنج دانش بی تاریخ
- ۲- روزنامه رسمی شماره ۱۳۲۳۹، ۱۳۶۹/۵/۲۷
- ۳- روشندل دکتر جلیل، امنیت ملی و نظام بین المللی، صفحه ۴، ناشر سمت، چاپ اول، ۱۳۷۴
- ۴- همان نویسنده، همان کتاب، صفحات ۱۳ و ۱۴، همان ناشر، سال ۱۳۷۴
- ۵- بهرامی سیاوش، تأثیر مهاجرت اتباع خارجی در کاهش امنیت داخلی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، صفحه ۱۱۳، سال تحصیلی ۱۳۷۵-۷۶، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی
- ۶- مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، جلد اول، صفحه ۴۲، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۴، ناجا
- ۷- ولیدی، دکتر محمد صالح، حقوق جزای عمومی، جلد چهارم، واکنش جامعه علیه جرم، صفحه ۳۸، چاپ دوم، نشر داد، سال ۱۳۷۵
- ۸- ولیدی، دکتر محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جلد سوم، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، فصل سوم، صفحات ۵۵ به بعد، نشر داد، سال ۱۳۷۷
- ۹- قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم در تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵/۲/۲ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۷۵/۳/۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.